

برادر می گفت



محمدعلی شامانی

شامانی، معاون مجلات دفتر انتشارات کمک آموزشی، عضو شورای سردبیری رشد معلم و نویسنده‌ی همکار مجلات رشد است. او را به درخواست خودش، با قلم خودش معرفی کرده‌ایم: «برای چیدن ستاره می توان از آسمان بالا رفت و برای بوسیدن مهتاب بر سجاده‌ی اشتیاق نشست.

«نان و ریحان را دوست دارم

و صداقت را

و با باران به اوج می رسم؛

از تماشای کرم های شب تاب هیجان زده می شوم.

در ستایش دیوانگی می نویسم

برای غیغب قورباغه می سرایم.

دانش آموز روستای سادگی ام:

محمدعلی شامانی، فرزند مرحوم رمضان، روزی می خواست آدم شود و امروز بعد از چهل و هفت سال، به دنبال گم شده‌ی خویش است.

کتاب هایم پیشکش مادر بزرگ ها و پدر بزرگ ها و دعایم از آن شما باد.»

باید از راهی که با خدا آغاز نشده است، برگشت. این را برادرم* می گفت؛ می گفت بعضی ها از ترس این که سرزنش شوند، حاضر نیستند از راه خطا باز گردند. می گفت، امروز ما و شما بر سر دو راهی حق و باطل قرار گرفته ایم و آن کس که به وجود آب اطمینان دارد، تشنه نمی ماند. فقط کافی است، روی از غیر دوست برگیری و به جانب او روان شوی. آب های گوارا تو را انتظار می کشند.

برادر می گفت: پیش از جست و جوی آب، باید عطشناکی را بیاموزی. عطش بندگی و ایمان، درست مثل فرشته ها. می گفت، اگر سرتاسر آسمان را بگردی، حتی به اندازه‌ی پوستینی مکانی را نمی یابی که فرشته ای در حال سجده نباشد.

می گفت: هر بار که به آسمان نگاه می کنی، آیا از خود می پرسی، تو چه قدر در آسمان جای داری؟

می گفت: ما به عادت هایمان خو کرده ایم. به کار، زن و بچه هایمان.

اما این ها همه رفتنی اند. برای ماندگاری و بقا تلاش کنید. تنها آنانی باقی می مانند که برای آخرت تلاش کرده اند. پس فرزند آخرت باشید تا در آن روز ناگزیر به دامن مادر خویش باز گردید.

می گفت، کوچ کردن از این جهان حتمی است. پس برای کوچ آماده باشید؛ نرم و سبک بار.

برادر می گفت: در دنیا مردمانی هستند که نان این جهان می خورند و کار آن جهان می کنند.

برادر حرف هایش از جنس زمان است، هر روز باید آن را از «نو» خواند تا «نو» شد. برای نو شدن باید از غفلت برید و به جرگه‌ی هشجاری پیوست. برادر می گفت، آگاه باشید، هرگز چیزی مانند بهشت ندیدم که خواستاران آن در خواب غفلت باشند. و نه چیزی مانند آتش جهنم که فراریان آن چنین در خواب فرو رفته باشند.

برادر می گفت...

پی نوشت

* اشاره به رسول اکرم (ص) که در روز اعلام برادری مهاجر و انصار، علی (ع) را برادر خویش خواند. برگرفته از: سخنان حضرت امیر (ع) در نهج البلاغه.